

بیان‌گار دائی نهایشی

بنا به تصمیم جمعیت فرهنگ قرار بود هر قدر که ممکن است مجسمه از دائی نهایشی به یادگار تقدیر روح آن مرحوم در قرائتخانه این جمعیت نصب گردد لذا حضرت آقای آقا محمد آقا کسمائی این نیت جمعیت را حسن استقبال کرده با تخصصی که در نقاشی و مجسمه سازی داشته و در این امر معروف و اعجاز می نمایند کلیه زحمات این کار را تحمل کرده به ساختن « بارلیفی » **bas-relief** از آن مرحوم اقدام کردند. پس از پرداختن و اتمام آن در لیله ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ از طرف جمعیت دعوتی از طبقات مختلف اهالی بعمل آمده و با حضور حضرت آقای ادیب السلطنه رئیس محترم انجمن ادبی ایران « که در آن موقع در گیلان تشریف داشتند » و حضرت آقای حکمران گیلان و رؤسای محترم دوایر دولتی - مدیران جراید و مدارس - نمایندگان مجامع و عده از تجار و منورین خطابه ذیل از طرف جمعیت بوسیله یکی از افراد قرائت گردید:

ادای کلمات و ایراد نطق بر روی احتیاجات برقرار گردیده

و احتیاجات همواره مفهوم و نتیجه حس و درك بوده و احساس مردم هر زمان و مکانی بر حسب تغییر همان از مننه و امکانه با هم متغایر و متفاوت است . بنا بر این موضوع ما تا با امروز که یکسال و اندی است از وقوع قضیه مولمه ارتحال مرحوم آقا دائمی نمایشی میگذرد آنچه که در خور حس يك جمعیت و درك يك ملت بود و احتیاجات و وضعیت قرن بیستم ممالکاتی مانند ایران اقتضا می کرد برای قدر دانی از آن فقید اقداماتی کرده و مطالبی اظهار داشته ایم . خوب در نظر داریم که گفتیم سر باز فداکاری بود برای مدافعه از آزادی و علم و گفتیم منجاهدی بود برای تعمیم حریت و معرفت . تمام علمای این قسمت ها را در اطراف او گفتیم و به ثبوت رسانیدیم و مقاله ها را نشر دادیم و نطقها کردیم و چنانچه فوقاً عرض کردیم آنچه را که حس ما و درك ملت و احتیاج زمانی و مکانی و ادای کلمات برای مفهومات خارجی آنها لازم بود گفتیم ا کنون که «بارلیف» **bas-relief** (بواسطه ضیق لغات فنی در زبان ما بکلمه تابلوی نیم برجسته خواهیم نامید) او را بافتخار قرائتخانه جمعیت نصب مینمائیم

اضافه میکنیم؛ چنانچه مشاهده خواهید کرد نقاد سخن و صراف فن آقای کسمائی در کتابی که آن مرحوم در دست داشته و در تابلو محکوک کرده و بر روی آن دو کلمه نوشته اند که بین کلماتیکه تا کنون بشر برای رفع حوائج و ادای مفهوم خویش بکار برده ممتاز بوده و از آنهایی است که تغییرات و تبدلات عالم هیچوقت به امحاء آن قادر نیست. البته می دانید همه چیز بشر دستخوش انقلابات و تبدلات است جز این دو کلمه که همواره با بشر زندگی کرده و تا روزی که زمین دارای جمعیت خواهد بود زنده و پاینده است.

گفتیم در روی کتابی نقش است بعد از اندکی تعمق کاملاً می فهمیم که تمام کتب روی زمین حاوی موضوع و تشریح او، هر چه را که در عالم بوجود آیند و اختراع شود و صورتی بگیرد در تحت تأثیر همین دو است.

الحال برای اظهار آن میگوئیم آن دو کلمه که مفهوم کتات طبیعت و بالاخره نتیجه اقدامات برای افتتاح مؤسسات بریه و خیریه و معارفیه و منشاء اقدام هر عمل و پایه اختراعات

و غیره است و زندگانی و سعادت بشر را تأمین می کند در تحت
 لوای این دو مندرج است و آن دو تجدید و
 انقلاب است. و این تجدید تنها علاج برای دفع بد بختی و فلاکت و ذلت ملت
 است. فقط در زیر قدم میمون این کلمه است که ملل
 راقیه و ترقیات روز افزون آنها در عالم عرض اندام کرده
 و پیشرفت‌هایی در تمدن امروز حاصل شده است و نیز در
 اثر فقدان این کیمیای هستی است که بعضی دیگر از آن ملتها
 در حوض پستی و مذلت افتاده و از بین رفته و می روند.
 تجدید زنده شدن علم و معرفت است و مطالبات فرهنگی
 قسمت دوم انقلاب است توضیح این مسئله اندکی مشکل است
 زیرا که هر وقت صحبت انقلاب بمیان آمده بلا فاصله فکرمان
 بیک قسمت مخصوص آن که انقلاب سیاسی است متوجه میشود
 باید دانست که انقلاب مراتب عدیده و اقسام مفصله دارد یکی از
 قسمتهای آن انقلاب سیاسی است. انقلابی که منظور ما در این
 تابلو میباشد همانا انقلاب ادبی است کلمه انقلاب را همه وقت و
 همه جا نباید بمعنی تفنگ و جنگ و خون و آتش و سر نیرزه

و یا هرج و مرج و غیره تلقی نمود اینجا انقلاب بمعنی مصدریش منظور است.

باری تجدد از اول عمر بشری با او همراه بوده و از روز اول خیالش بمتابعت او قدم برداشته است بدون تجدد این منازل عالیه و تمدن قشنگ و آداب و رسوم ممتازه وجود نداشت. بعد از تجدد نوبت بانقلاب میرسد هر وقت تجدد توقف کرد، هر وقت تجدد ساکن گردید آنوقت است که انقلاب بمدد او رسیده و او را سر و صورتی تازه داده و اصلاحش مینماید.

باری مرحوم آقاداتی نمایشی در موقعی که ایران برای اولین دفعه می رفت قدم هائی بطرف تعالی و ترقی بر دارد یعنی در سال مشعشع ۱۳۲۷ که سلطنت مستبده منهدم گردید بلافاصله

و یکدسته دیگر از همفکرانش برای حمایت و مساعدت با سایر فرزندان ایران قدم تجدد خواهانه را بلند کرده و برای احیاء تجدد شروع به اقدامات کردند چون تا آن یکی از مراحل اولیه تمدن و تجدد بود لذا آقاداتی بدان مشغول شد.

باید دانست که تحصیل علم برای اولادان عصر بعد تری بکار آمده و تربیت تدریجی مانع است که یک نفر مرد وقت بخواند

با داشتن عائله و نا جمعی حواس داخل مدرسه شده و کم کم مراتب
 و مدارج علم را به پیماید ولی تأثیر در آن واحد در یک شب محاسن
 و محامد و قبايح اخلاقیش را بدو آموخته و نتیجه بی علمی و خسران
 آنرا بدو تعلیم داده و تربیتش مینماید .
 بوسیله این مدرسه است که عارفین و ترقیخواهان هم نوعان
 خویش را آگاه بلزوم تحصیل و تعلیم نموده تا اینکه آنها بتوانند
 و بخواهند اولاد خویش و بالنتیجه اولاد عصر بعد را بمدرسه
 گذاشته و برای وطن فرزندان لایق و فهمیده تهیه نمایند .
 مرحوم آقا دائی نمایشی حق بزرگی بگردن این مملکت دارد
 زیرا او بود که در مقابل عدم تشویق و ناسپاسی که مردم بخرج
 میدادند اهمیت نداده برای ادامه مأموریتی که وجداناً بر
 دوشش تحمیل شده بود خود داری نکرده و بدون دلسردی با کمال
 ثبات بخدمات نوعیه قیام نمود . قیام او قیام و جنگ بر ضد فساد اخلاق
 عمومی و تصفیة و تزکیه نفوس بود او در حال تربیت همجسنان خویش
 فحشها - اتهامات - افتراءات - عدم مراقبتها - هوا و جنجالها
 را تحمل کرده بایک جدیت خستگی ناپذیری بانجام مقصود اقدام
 مینمود بیش از این چه بگوئیم که آخرین ساعت عمر خویش را

در صحنه نمایش بسر برده و مشغول اجراء وظیفه بود .
 اینک در خاتمه در موقعیکه این تابلو را بقرائتخانه خودمان
 نصب میکنیم برای ترویج روح آن مرحوم از حضار محترم
 استعانت جسته و متحتمیم که نظریتجددطلبی همه شما آقایان جلیل القدر
 از قدرشناسی و تعظیمی که مانسبت بروح آن مرحوم رو امیداریم مارا تقدیر
 خواهید فرمود و نیز از این همقدمی که در این راه مصروف
 داشته اید تشکر مینمائیم

بعد از آنکه این مضمون ایراد شد آقای کسمائی به پشت میز تشریف
 برده پس از اینکه شرحی مبنی در تعریف آن فقید و تقدیر از اقدامات این
 جمعیت بیان و نطق فوق را تکمیل نمود و از روی تابلو برده را بر داشته
 عموم حضار با احترام فقید مزبور قیام نموده و چند دقیقه متوالیا کف زدن ادامه
 داشت مجددا قراء خطابه مضامین ذیلرا ایراد نمود :

حضرت آقای کسمائی را تعریف و تمجید کردن خیلی مشکل است
 ولی چون احترام جمعیت همواره ملحوظ نظر باید باشد اینست
 که در این خصوص چند کلمه میگوئیم :
 حضرت ایشان استاد علم و معرفت و عارف نکته
 سنجی است که رشحات نوک قلمش محیی علم است و

در تعریف ایشان بیش از ساختن و پرداختن و اهداء این مجسمه
باین جمعیت چه توان گفت و هر چه بگوئیم زیادی و در
عین حال نسبت بقدر و منزلت ایشان هیچ است نیش قلمش

همان طور که گنج و سنگ و رنگ را روح می بخشد.

همانطور هم دختران معانی و گوهران مصفای کلمات را روح

و حیاتی تازه دمیده و باندازه شیوا و رعنا بنظر جلوه میدهد که کمتر

کسی در تشریح صورت و سیرت بدین مقام رسیده است و این

مجسمه را که قیمتی بر آن نمیتوان تعیین نمود و عقل ما عاجز

برای تقویم آنست برای افتخار جمعیت بلا عوض هدیه فرموده اند

ما هیچگونه تعریفی را نسبت بدیشان قادر نیستیم مگر اینکه

بگوئیم همانطور که رشحات و معنویات کلمک سحر بارش را گاهگاه در

جراید ملاحظه فرموده اید اکنون نزدیک تر تشریف ببرید تا

از معجزات صورتگری ایشان نیز محظوظ بشوید.

سپس آقای یفیکیان که یکی از نویسندگان آرامنه اد شرحی

در خصوص تقدیر از خادمین بیان و بعد حضرت آقای

تربیت رئیس محترم معارف گیلان نیز شرح مفصلی در

خصوص اهمیت تأثر و تأثیر آن در جامعه اظهار و

قدری هم از فقید مزبور بمناسبت آشنائی تامی که
 با هم داشتند تقدیر و سپس از زحمات این جمعیت بنام عموم اظهاری خوش
 وقتی کردند. مجلس خاتمه یافت .. «فرهنگ»

آینده

مجله ایست سیاسی ادبی و اقتصادی - ماهی یکم مرتبه
 در حدود صد صفحه با تصاویر متعدد و مطالب
 متنوع سودمند بقلم مهمترین نویسندگان
 و شعرای معاصر با کاغذ و طبعی مرغوب در طهران
 منتشر می شود. بوسیله این مجله ~~کتاب~~ در آخر سال
 کتابی در حدود هزاران صفحه خواهد بود ماهانه اطلاعات زیاد
 کسب خواهید کرد و چون در آخر سال جلد میشود همیشه در خانواده
 شما میماند و مفید خواهد بود. قسمتی در هر شماره را جمع بزنان
 خواهد داشت که از لحاظ تربیت و اخلاق کمال اهمیت
 را دارد. قیمت اشترک آن خیلی ارزان است: سه تومان در سال!
 مشترکین حق اعلان مجانی دارند. مگر کز اداره: طهران
 خیابان پهلوی مؤسس و مدیر مسؤل: دکتر افشار